

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ اکتوبر ۲۰۱۹

برگردان آهنگ ترکی «Susamam- سوسامام - سکوت نمی کنم» به فارسی

(به یاد دختر آبی و همه زنان جان باختہ)*

نماهنگ #Susamam در یوتیوب بیش از ۲۰ میلیون بار کلیک شده است. پیامی که هنرمندان ترکیه خواسته‌اند با این موزیک ویدیو برای شهروندان کشورشان بفرستند این است که «به جای سکوت اعتراض کنید!» دولت ترکیه از این بابت ناراضی است.



تولید این ترانه ۱۵ دقیقه‌ای، با هزینه و کار زیادی همراه بوده است. ۱۸ خواننده رپ ترکیه در تولیدی مشترک با هم همکاری داشته‌اند. شامگاه پنجشنبه ۵ سپتامبر ۲۰۱۹ - ۱۴ شهریور ۱۳۹۸، ویدیوی ترانه آن‌ها روی کانال یوتیوب منتشر شد. این ویدیو تصویری تیره اما واقعی از ترکیه و نابسامانی‌های آن ترسیم می‌کند: قتل زنان، ویرانی محیط زیست، حیوان آزاری، فساد اداری و پارتی بازی نمایندگان مجلس برای خویشاوندان، خشونت پلیس و... تقریباً از تمامی مشکلات روز ترکیه در این موزیک ویدیو نام برده شده است.

از نظر سازندگان این ویدیو، نه تنها هنرمندان، بلکه تمامی جامعه باید سکوتش را بشکنند. مبتکر این پروژه «شانیشر»، خواننده رپ با نام اصلی سارپ پالور بیش از دو ماه بر روی این آهنگ کار کرده است. او در بیانیه‌ای که هم‌زمان با انتشار آهنگ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد گفت: «من شاهد بوده‌ام که باور داشتن به این‌که موسیقی می‌تواند شرایط را تغییر دهد، چقدر مثبت بوده است. امیدوارم این آهنگ مردم را به واکنش وادارد.» آهنگ «من نمی‌توانم سکوت کنم» با این کلمات آغاز می‌شود: «روزها می‌گذرد و تو نمی‌دانی چرا زندگی می‌کنی. به مشکلات ات آگاه نیستی. می‌خواهی بخندی و خوش بگذرانی. زندگی سخت است. می‌خواهی که موسیقی تو را سرگرم کند و از واقعیت دور شوی. اما ما معتقدیم موسیقی می‌تواند وضعیت را تغییر دهد. با ما همراه می‌شوی؟»

بسیاری از مقامات شهرداری هایی که در دست مخالفان حزب اردوغان است، ویدیوی این آهنگ رپ را در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشتند.

پاملا آندرسون، بازیگر آمریکایی نیز با به اشتراک گذاشتن آهنگ «من نمی توانم سکوت کنم»، از هنرمندان آمریکایی خواست تا از این حرکت الهام بگیرند.

دو هنرمند گروه نیز به همین گونه به وضعیت نگاه می کنند. هدف آن ها این است که پیام شان را به گوش صدها هزار نفر دیگر هم برسانند. آن ها می گویند: «بچه های ما باید در دنیایی زیباتر بزرگ شوند. ما می خواهیم با پیام مان حساسیت و آگاهی جوان ها را تقویت کنیم. می خواهیم آدم ها را تشویق کنیم که هر جایی بی عدالتی دیدند صدایشان را بلند کنند.»

آهنگ Susamam که شامل اشعار در مورد موضوعات خاص مانند خشونت علیه زنان، محیط زیست، آموزش، حقوق حیوانات، فاشیسم و ترافیک است، در Twitter و Youtube تبدیل به مباحث ترند شد و در این مدت، آن را بیش از ۲ میلیون مشاهده کردند.

روزهای دور زدن / چرا شما فراموش کرده اید که وجود دارید / چرا از مشکلات آگاه نیستید / می خواهید از آن بخواهید بخندد / شما هیچ مشکلی در یافتن راه حل ندارید / زندگی در حال حاضر خیلی دشوار است / بنابراین اجازه دهید موسیقی شما را سرگرم کند / از واقعیت فاصله بگیرید / اما ما معتقدیم موسیقی می تواند چیزهایی را تغییر دهد / با ما همراه شوید / آیا باید شروع کنیم؟

خوانندگان رپ ترکیه، به صراحت با مردم سخن می گویند: «سکوت را بشکنید!»

ترجمه «رپ» ترکی استانبولی را به یاد سحر و با هدف الهام گیری هنرمندان ایرانی به فارسی برگردانده ام.

متن ترانه Susamam:

۱- فوات (طبیعت)

در رودخانه های زمان چنگیز خان

مرگ بود و مرگ هزینه شستن دست ها

ما مهاجرت کردیم و پوسیدیم

زباله ها را به سه دریاریختیم، دریای موش ها

تنفس با گاز آگروز

آن که دست چپ و راست را تشخیص نمی دهد

افتاده است در منقل کباب

جنگل آتش گرفته و می سوزد

خون گریه می کند طبیعت در چشم هایش

چون رها شده ای در بلندی ها

دودکش کارخانه ها

خسارت ریخت و پاش راکتور اتمی

الکترو دود در یورش دایم

انسان انگل ترسناکی است
نگاه کن به اوضاع این کهکشان
انسان از حیوان نیز پست تر شده
تخریب محیط زیست تجدید نظر را بر نمی تابد
نسل آینده فقط باید بپردازد
تماشا کنید آخر الزمان را مانند کالاها

۲: آدوس (خشک سالی)

برادر، نکن!
اشغال را به دریا پرت نکن
آن را پس نمی گیری
روزی فرا می رسد که به دریایی که کثیف کرده اید، نتوانید نگاه کنید!
دور نیست رویارویی با تصاویر دردناک افریقا
محلّی که کودک در آن رشد می کند لجن زار است دیگر
زیرا که گل ها، رودخانه ها و جنگل ها را تمامی نابود کرده ایم
چگونه رحم نکردیم؟
من باور نمی کنم
آن چه را که داشتیم ارزشش را ندانستیم
به حیواناتی بیاندیشید که معده هاشان را از پلاستیک انباشتید
آیا احساس ندامت نمی کنید؟
اشتراک در شبکه کافی نیست
کاری کنیم، کاری دیگر!

آب را گل نکنید!

گرامی بداریم وطن را هم چو آب
در رگ های جان او
زهر تزریق نکنید!

(گروه گر: شانیشر)

بیا که روز در این گفته ها به زنجیر است
مرده یا زنده، برای من فرقی نمی کند
ساکت نشو، من که نمی شوم!
نترس همراه شو با من، همراه!

بیا که روز در این جمله های گناه آمیز گرفتار است!

مرده یا زنده برای من فرقی نمی کند!

ساکت نشو

من که نمی شوم!

۳: شانیشر (قانون)

من ترک سفید هستم

قوانینم آنگلو ساکسونی، خودم شرقی ام

من غیر سیاسی بزرگ شدم، هیچ وقت رای ندادم

مغزم را برای تعطیلات، مسافرت و قرض و قوله فرسودم

عدالت مرد و تا شامل حال من شود، خفه خون گرفتم و در مرگ آن شریک شدم

حالا از لایک زدن همرم می کنم

از پلیس کشور خودم نیز می ترسم

دریغا که ره آوردتان این نسل ناامید است در این خاک

این جمعیت ناخشنود و این صدای همیشه دروغین رهبری!

چه سبب که زندانی بیوسد در کنج زندان ها!

حاصل کار تو، سوغاتی ات این روش های هولناک!

و صدای خسته ای که مراست!

با مالیات فقرا، قایق بادبانی و کاخ هایت دو برابر شد

تمام حاصل کار تو عقب ماندگی و فساد نمایندگان مجلس!

تو همیشه چنین بوده ای، سراپا فساد

تو حتی با مرگ هم نمرده ای!

با سه کارتن مقوایی قهوه در دست

تنها درد تو راه اندازی پروژه هایت است و دیگر هیچ

حالا عدالت بر در خانه های شما مشیت می کوبد

دری که باید آن را زد و شکست

چون که ادعا می کنید که حق همیشه با مامورهای شماست!

پس شما مجرمید چون دم برنیاوردید!

چون طی دو روز دریای چشم هایتان خشکه می زند.

یادتان رفت آیا اسم آن قاضی که قاتل Tuğçe و Büşra را آزاد کرد!

حالا هر بلایی که می خواهد نازل شود، بشود!

اگر امشب تو را به ناحق به زندان دراندازند

در هیچ روزنامه ای خبرش را نمی خوانی

روزنامه ها گو:

همه بسته!

جان هایی را که قاتلان و استانده اند، دوباره زندگی نمی بخشند
سال هایی که به ناحق در زندان ها گذشته اند بر نمی گردند!
تو خفه خون گرفتی، ساکت نشستی و سوارت شدند
حق تان را پایمال کردند و
زیبایی هم رفت
که رفت.

۴: هایکی (عدالت)

عدالت، این روح اجتماع انسانی
گوشش را بسته و نمی شنود تو چه می گویی
از عدالت بگو و از کارکرد آن
آیا امیدی هست؟
مدنیّت کجاست؟!
از ترس تو نمی توانیم ما خوراکی خود را قورت بدهیم
پلیس تان نمی تواند همین طوری ماشه را بکشد و در روز روشن شلیک کند.
رسانه ها، مطبوعات، قانون و سربازان همه در خدمت شما هستند
خورشید بر صورت کودکان کار طلوع می کند
وقتی که اجباراً باید سر کار بروند و برگردند
کینه سلاح شمایان ست!
این که بر ما تحمیل می شود نه جزای ما است
برنامه شماسست!
نمی دانم چه کسی این ها را باور دارد؟
بیا اما
بیا که سلاح ما هم زبان ما است.

۵: سرور اوراز (قانون)

من صدای نسلی گم شده ام
نمی توان تصویر شرم را استتار کرد با سانسور
برای این که یاران مرا از قبر بیرون بیاورم، همواره چشمانم باز است و آگاهم
از باتوم و چاقو چه باید گفت؟ همه نشانه ضعف!
آگاهی شرط همیشگی ست
تا انتظار مغز مرا بفرساید هم چو باران آتش را خاموش می کنم و عبور می کنم

من به جز پرداختن به موسیقی کاری نکرده ام!
پلیس این مسائل را پیچیده کرده است
من در اداره بازرسی گرفتارم، تو کنسرتت را از دست نده
من ده سال آزرگار است که همین لباس را به تن دارم
یکی بگوید به من، «این همه دنگ و فنگ یعنی چه»
اما من در آن روز قلب و روحم را می بخشم،
قاضی به دنبال اعمال حکم قانون است
من در دوزخ می زی ام
آتش گرفته ام
آتش!

۶: بتا (ترکیه)

مرحبا ترکیه

من زنده ام، هستم

می کوشیم برای زندگی، شاید هم اتفاقی با کمانچه ها
شارلاتانی که روی پرده خودنمایی می کند، سراپا تعصب است!
موج تخریب است، با نیتی پلید
بیش تر از هر چیز، در پی توطئه!
که تمثیلی است یا نمایشی!
این هواپیما در تلاطم است!
سوریه همسایه ما بود
حالا هموطن در این کشتی؟ (شهروند؟)
نه در صلح، حتی در سرزمین مردگان
این فقط روزنامه «Hürriyet» است
تا آن جا که می تواند آزاد است!

۷: [Zen-G&Asil Slang] (استانبول)

همه گی لقمه ای را قورت می دهیم

استانبول با تنگه کثیف

بهترین فرصت ها را نابود می کند

ماری جووانا رازی است غیر قابل تشریح

سنگ و خاکش طلا (طلایی)

دستم افتاد و بازویم را گرفت (حمله)

رابطه ها، تماس ها، دادگاه (کمک)
شیطان کار خودش را کرد (کرد)
یا باید پول داشته باشید، یا پارتی
باید شماره مخصوص داشته و
کسی را هم در آکسارای (کاخ سفید)
باید قایق بادبانی داشته باشید با کفی محکم
من که به دنیا آمدم پولی ته قلکم نبود
در کلان شهر باید کمی هدف داشته باشید
چیزی که نمی سازید، آتش به جنگل در افکنید
این طبیعی است که در یک جنگل بتونی به حیوان بدل شویدی.
سر به زیر که باشیم همه چیز را به رنگ بنفش می بینیم
دایناسورهای به پیرمرگی رسیده
در این جنگل نقشی برای یکایک ما هست
خفه خون که بگیری نوبت تو هم می رسد
شب های تاریک در انتظار روشن اندیشان خمیازه می کشند.

۸: خیابان سقراط (آموزش)
فارغ التحصیل می شوم
نقدی، دیپلم به من بدهید
حالا که پول ندارم، عرق باید بریزم
من دانشجو هستم که امکانات برابر تحصیل را به فرصت بدل می کنم
فارغ التحصیل شده ام
در درون سیستمی که شما ساخته اید سر به هوا هستم
فارغ التحصیلی چو من
صندوقدار شده ام حالا، یا در سینما به تماشاگران جا نشان می دهم.
دانشگاه ها سر خیابانند، اما مدرسه های روستایی در دور دست های دور
هر چه باب طبع ایدئولوژی استاد است در هر درس گفته می شود
غنی و فقیر جدا از هم
این شرخر است یا که پول که موقعیت ها را تعیین می کند
آنچه یاد داده می شود صنعتی است
همانا در حد ساخت و سازها!
کیست که بی پول است و نمی تواند کتاب بخرد؟
معلم جان می کند بی هیچ استراحتی!
نماینده مجلس چه آشناست، وای

سخت است برای تو که بفهمی من چه می گویم.

برای کمک به مدارس روستایی کاری کنید

هرج و مرج همه جا را فرا گرفته

باید به مبارزه برخاست

کودکبه خواب رفت چرا که مجبور است

برای رفتن به مدرسه

اما از کدام راه!

۹: ازبی (بازجویی)

چرا این آسمان، این ستاره ها، این کهکشان ها و سیارات

چرا، از کدام گیتی؟

از کدام جهان؟

چرا من، چرا تو، چرا ما؟

سؤال، به خصوص یک سؤال «من آن جا چه می کنم؟»

من از کجا آمده‌ام و چرا یک انسانم؟

چطور شد؟ چه شده ایم، دارد چه اتفاق می افتد؟

چگونه معنا پیدا کنیم؟ چگونه این مغز انباشته می شود؟

زندگی چه می خواهد از ما، چه کسی آن را دوست می دارد؟

چیبست ثمره کارهای ما؟

ما می فهمیم، حتی اگر همه چیز را بگوییم و درک کنیم

فکر کن که فهمیدن هم ممنوع شده

اما فقط یک سؤال «بدون پاسخ» وجود دارد، بسیاری از پاسخ ها از پیش داده شده

برای خود مدرکی دست و پا کنید!

همیشه روح خود را برای سوخت بجوشانید

قلب خود را نگه دارید و اسناد را فراموش نکنید.

برو نفس خود را ببین و هنر را دریاب

اتم های پرس و جو

به سرعت نور فکر کنید و سپس به دنبال بال بگردید.

تا آن جا که می توانید پرواز کنید

تا زمانی که بتوانید پرواز کنید

تا آن جا که می توانید پرواز کنید

تا آن جا که می توانید پرواز کنید

و بدر شوید از خود!

۱۰: دنیز تکین (حقوق زنان)

نمی دانم، هرگز نیازی نداشتم که از خودم محافظت کنم.

نمی دانم، احتیاجی نداشتم که در مورد بچه فکر کنم.

هرگز ازدواج نکرده ام

هرگز در خانه کتک نخورده ام

به زور در اتاق خودم زندانی نشده ام

حرف شما را بر زبان نیاوردم

چندان به خود نبالیده ام

از نفرت سرشار نبوده ام

من زنده مانده ام

هرگز برادری نداشته ام

هرگز از برادر نترسیده ام

من وانماندم از مدرسه

من زنده مانده ام!

۱۱: [Sehabe&Yeis Sensura] (خشونت علیه زنان)

زن از خواب بر نمی خیزد

شما مردید، اما انسان نه.

در واقع، او بهترین موجود انسانی است.

خشونت علیه زنان نه، نه

چرا مردهای این مملکت در خانه و ماشین های خودرو و یا در مترو

هرگز خشونت و آزار را حس نمی کنند

با تحقیر هیچ چیز حل نمی شود

اوه، آه، شما آدم نشدید، این الگوی پولی پدران شما است؟

در بشیکتاش با حرکت های زشت به هوا می پرید

جیب هاتان پر از زباله است

سرهاتان چه؟ آیا اصلا آدمید شما؟

ما که شرمنده ایم، آیا اصلا آدمید شما؟

چه می شود که این حادثه روی می دهد؟

۱۲: (پل آسپووا (جهان)

من عمیق می شوم

دنیا چون سر من چرخ می زند

رویای از دست دادن ذهنم

نفسم، صدای درونی ام
من عمیق می شوم
دنیا چون سر من دارد چرخ می زند
رویای از دست دادن ذهنم
نفسم، صدای درونی ام
من عمیق می شوم.

۱۳: دف خان (غربت)

کله ام را گرفت و کوبیدش به دیوار
تتم را فشرده و سیگارش را به آن چسباند
پوسته ها را بالا زد و دود به هوا برخاست
گفتم مادر به خطا چه می کنی با من
این را کدام قانون گفته است آخر؟
آماده ام من برای جنگ، کثافت است همه جا.
این همان چیزی است که یاد می دهید
گسترش خشونت و پیش آوردن طناب
نگاه کن به سرمای کشنده آلمان
پپرس تا بگویم من،
مخ می زنند در میان جوانان
با آمفتامین و تیلیدین
یا علف های هرز و کوکائین
یا جنون سرعت؛

این ها برای شما خوب است برای من اما نه!
این ها نه برای من است، که زیاده تر هم هست از سرم
چه ارزشی دارد؟ چه تعدادی؟ چه تعدادی؟
بدیل چه قدر پول است این همه؟
اکنون کافی است، تاب نخور دیگر
اگر می آبی همراه من بیا
اما صمیمی باش!

۱۴: صدراعظم (حقوق حیوانات)

به من پیاله ای آب بدهید
وجدان داشته باش لعنتی
فکرش را بکن

که تمام این زندگی ها به تو وابسته است و تو نمی فهمی.
تو در سرمای زمستان در تنهایی به سر میبری
زبان را در تنهایی و فقر و فلاکت نمی فهمند
آدمی که دست یاری دهنده ای دارد
در وجدان نظر می کند نه در پاره اسکناس ها
وجدان را نمی توان پرتاب کرد به جنگل ها
این ها که می بینید کرد نیستند، آن ها نمی توانند در جنگل زندگی کنند
آن ها از تشخیص حقوق خویش عاجزند
پناهگاه ها همه انباشته
مملکت پراز فلاکت و بدبختی
آسمان سر به سر تاریک
تجاوز به حیوانات سرگردان نزد شما رواست
ما محتاجیم به دیوانگان بزرگ در عصر بد اخلاقی های بزرگ
تمام مردم مقصر نیستند، اما
همه حیوانات بی گناه هستند.

(شانیشر)

بیا، گل سرخ در این جملات آلوده گرفتار است!
زنده و مرده برای من فرقی نمی کند
ساکت نمی شوم
ساکت نمی نشینم
نترس، بیا و در کنارم باش!
بیا، گل سرخ در این جملات آلوده گرفتار است!
زنده یا مرده برای من فرقی نمی کند!
ساکت نمی شوم
ساکت نمی نشینم!

۱۵: خیابان سقراط (خودکشی)

نرو، نرو، نرو، نرو
ما می توانیم خیلی چیزها را در زندگی تغییر بدهیم
پایدار باش
همه ما یک بار تسلیم شدیم
حالا مشتهای خود را گره کنید
بشکنید سکوت سکوت ها را

به یاد آورید در نزد خود

که چگونه مقاومت کردید

نفرت را از ریشه برکنید!

بیا

چیزی بیش از خود زندگی شایسته دوست داشتن نمی تواند بود

دنیا را برای تو من نمی سازم، اما دست یاری می رسانم به تو

بگذار همگان پشت کنند به تو

تو دنیا را فراموش نکن

نظری هم چو قضات در باره تو ندارم من

می دانم که نمی توانم رنج های تو را دریابم

من بارهایی را که نمی توانم تحمل کنم می گذارم و راه خویش را در پیش می گیرم

لطفا در آینه نگاه کن

و بگو که تو را دوست می دارم.

۱۶: آگا ب (فاشیسم)

آی، فاشیسم چیه؟

عامیانه بگویم ما خیلی کارها داریم با فاشیسم

با به هم دادن دست ها در سراسر دنیا

همه گی می دانید

سبب واقعی بروز چنین حوادثی زیاده خواهی جاه طلبانه است.

این جاه طلبی حسی ابدی است

دختر در خانه با شوهر

بحران در خیابان

سگ خُل دیوانه سرگردان

اجناس در هم قاتی

ای بابا بی خیال،

زدی که خود را تلکه می کند

پلیس درمانده هم، آی

سیستمی می خواهد

هیچ کس کم نمی آورد

چی به چی است

ما را هم بشناسید

ما نسل پاک و کثیف و کثیف هستیم

در این جا شما گاری و

ما چرخ چرخانیم
ای، البته ما در جستجوی نسلی مانند خودمان هستیم
ای، تنها هدف ما این است: کاشتن بذر!
آینه باش نوه جان
اضطراب خود کمک می کند
ای، درسته، درست
غرق شو یا دوباره متولد شو
آماده شو که اشتباهاتت را جبران کنی
هرچه هست نوه جان
فراموش نکن احترام به دانه را.

۱۷: معراج (خیابان)

به صورتت نگاه نکنم، چون صورتم رنگ می بازد
با پاهای برهنه، چشم‌های رویایی خواب آلود
سرش سر جاشه، اما تن اش انگار از آن جدا می شود
قدرتی در زانوانش نیست
ببین، هر روز تبعید می شود
اما فرار نمی کند
ظالمین را فراری می دهد
نگاه می کند به آفتاب با دست هایش روی چشم ها
آن سلاح‌ها را در آتش بسوزانید
و برانید منیت را از خودتان
خیابان ها را دوباره نام گذاری کنید
به نام نامی پدرمرده‌ها، فقرا
ضابطه هاشان در سیاره ها نمی زی‌اند
روانه کنیدشان به اسمان خراش ها!

مرت سنل:

طوفانم، طوفان بر خاسته از میان شاخ و برگ‌ها
پیموده‌ام راهی دراز و خسته‌ام آنک
اگر بگویم چه بر من چه‌ها گذشت، چنگی به دل نخواهد زد.
می‌توان گفت من حکایت کودکی بی‌پناه استم
طوفانم، طوفان بر خاسته از میان شاخ و برگ‌ها
پیموده‌ام راهی دراز و خسته‌ام آنک

اگر بگویم چه بر من چه ها گذشت، چنگی به دل نخواهد زد.
می توان گفت من حکایت کودکی بی پناه استم

۱۸: کاموفله (ترافیک)

بازار زندگی، بازار زندگی اتوبان ها
خطرناک است در تمامی سال
تمامی ندارد حوادث بی پایان
پول خون بده
عید بدل می شود به عزاداری
قلب ها به کوه های درد
گوش ها پر از فغان های رنج آمیز
زخم ها هرگز سخن نمی گویند
ترور در خیابان های ماشین رو
با مستی و خشونت و جنون سرعت همراه است
جوانان بیست و پنج ساله سوار ماشین های گران قیمت بی خیال می رانند
هرچه پیش آید خوش آید، اول امنیت و بعد خوش گذرانی
انسان صبر می خواهد و سلامتی
باور کنید که یک اشتباه کوچک همه چیز را می دهد به باد!

اکنون این رپ در ترکیه، یک زلزله سیاسی راه انداخته است.

مطبوعات نزدیک به دولت در ترکیه به شدت به این ویدیو حمله کرده و به رپر ها اتهام همکاری با سازمان های تروریستی را زده اند. روزنامه نزدیک به دولت «ینی شفق» ویدیو را «تولید مشترک» گروه های چپ افراطی حاشیه ای و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و جنبش گولن دانسته است. روزنامه «ینی شفق»، هنرمندان شرکت کننده در این ویدیو را هم بزهدار نامیده است.

کادرهای حزب عدالت و توسعه که بیشترین تعداد کرسی ها در پارلمان ترکیه را در اختیار دارد، کارزاری را در توئیتر در برابر هنرمندان موزیک ویدیوی «سوسامام» آغاز کرده اند. کاربران توئیتر طرفدار حزب محافظه کار و اسلامی عدالت و توسعه خوانندگان رپ ویدیوی «سوسامام» را متهم می کنند که در برابر کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ یا عملیات تروریستی پ.ک.ک سکوت کرده اند.

حمزه داغ، معاون حزب عدالت و توسعه، توئیت کرده است: «نباید از هنر به عنوان وسیله ای برای تحریکات و تاثیرگذاری سیاسی سوء استفاده کرد.»

به این ترتیب ممکن است این خوانندگان رپ با اتهاماتی روبه رو شوند، اتهاماتی چون «تبلیغ تروریسم» یا «حمایت از سازمان های کمونیستی» و «تروریستی». در نتیجه امکان دارد که علیه رپر ها حکم زندان صادر شود.

با وجود این ۱۸ خواننده رپ محکم ایستاده اند. فواد، یکی از این خوانندگان، به دویچه وله گفته است: «ما راه مان را ادامه می دهیم و نمی ترسیم.»

همین طور «آدوس» یکی دیگر از خوانندگان رپ، به دوپچه وله گفته که: «جامعه طرف ماست، مردم حامی ما هستند. برای همین از بازجویی و محاکمه نمی ترسیم.»
«آدوس» می گوید که اشتباه ما این بود که مدتی دراز سکوت کردیم.

*سحر خدایاری در اسفندماه سال ۱۳۹۷، در مقابل تعرض حافظان حکومت جهل و جنایت و ترور با شهامت ایستاد. همین اساس برای سحر با عنوان «جریحه دار کردن عفت عمومی و توهین به مامورین»، پرونده قضائی تشکیل شد.



در نهایت روز دادگاه، در حالی که گفته شده جلسه ای برگزار نشده و قاضی پرونده اش به مرخصی رفته بود، اما به می گویند به ۶ ماه زندان محکوم شده است، سحر خشمگین شد و خودش را سوزاند. بعد از آن در بیمارستان بستری بود که روزهای گذشته رسانه ها خبر فوت او را منتشر کردند.

بی گمان همگان آگاهند که ۴۰ سال است زنان ایران توسط حکومت اسلامی ایران به طور سیستماتیک سرکوب می شوند و حتی از ابتدایی ترین حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی خود محرومند!



هیستگي و همدلی دختران افغان و تیم های فوتبال ترکیه به مناسبت خودکشی سحر خدایاری

مرگ «سحر خدایاری» پس از خودسوزی اعتراضی، بازتابی جهانی پیدا کرده است و تعدادی از شخصیت ها و رسانه های بین المللی و تیم های فوتبال و...، به مرگ دختری که به اتهام تلاش برای ورود به ورزشگاه بازداشت و دادگاهی شده بود، واکنش نشان دادند.

تیم های فوتبال «نور چلیک آکدنیز اسپور استانبول» تیم دسته دو و «اوزانلار گوجوی ساکاریا» تیم دسته سه لیگ زنان ترکیه اعلام هیستگي و همدلی با سحر خدایاری، دختر ایرانی با نام جهانی «دخترآبی» که ممنوعیت ورود زنان به استادیوم های ورزشی در این کشور منجر به مرگ وی در اثر خودسوزی شده بود، برای انجام یک بازی دوستانه به میدان رفتند.

گروهی از زنان ترکیه با تجمع در خیابان اصلی ورزشگاه کمال آکناش کوچک چکمه محلی انجام این بازی، با حمل پلاکاردهایی با مضامین «تنها نیستی»، «تنها راه نخواستی رفت» و «دیگر کسی از بین ما نخواهد رفت» و با سر دادن

شعار «زن، آزادی و زندگی» جهت تماشای دیدار دو تیم که به همت شهرداری کوچک چکمه برگزار شد، به سمت استادیوم حرکت کردند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس، شبکه خبری فاکس، وبسایت معتبر ورزشی «ای‌اس‌پی‌ان»، واشنگتن پست، و نشریات دیگری از جمله گاردین به مرگ تراژیک دختری پرداخته‌اند که در شبکه‌های اجتماعی و در میان کاربران ایرانی به «دختر آبی» معروف شده است.

اما از میان شخصیت‌ها «گری لینه کر» چهره سرشناس فوتبال جهان توییت کرد: «به طرز تاسف‌باری غم‌انگیز است. و چه قدر تاسف‌بار که زنان نمی‌توانند به ورزشگاه فوتبال بروند.»

دو تن از بازیکنان تیم ملی زنان سوئد هم واکنش نشان دادند و از فیفا خواستند تا وارد عمل شود. کاپیتان تیم ملی زنان سوئد ممنوعیت ورود زنان ایرانی به ورزشگاه‌ها را «آپارتاید جنسی» دانست:

عمر مومنی، کاریکاتوریست اردنی که یکی از معروف‌ترین کاریکاتوریست‌های ورزشی دنیا محسوب می‌شود، طرح زیر را در اینستاگرامش به اشتراک گذاشت.



بازیکنان تیم فوتبال زنان باشگاه «اف‌ت‌کلن» آلمان در بازی برابر تیم «توربین پوتسدام» برای بزرگداشت «دختر آبی» مچ‌بند آبی به دست بستند.

صفحه‌ای با نام کاربری FLAF در توییتر که به دست هواداران فوتبال اداره می‌شود در واکنش به مرگ سحر موقعیت‌زانی که در ایران می‌خواهند بازی فوتبال را از نزدیک ببینند «مایوس‌کننده» خوانده است. در این صفحه نوشته شده که مرگ «دختر آبی» فراخوانی برای تحریم دیدارهای فوتبال در ایران تا زمانی که زنان نیز اجازه ورود یابند را پدید آورده است.

رائول کالواپالا از هیأت تحریریه «یو‌آ نیوز» در توییتری می‌پرسد: «جرم او چه بود؟ این که طرفدار فوتبال است؟» او این که فیفا ایران را با این ممنوعیت «قرون وسطایی» هنوز از حضور در همه رقابت‌های بین‌المللی منع نکرده «مایه تعجب» می‌داند.

دوشنبه هشتم مهر [میزان] ۱۳۹۸ - سی‌ام سپتامبر ۲۰۱۹

لینک این آهنگ در یوتیوب:

<https://youtu.be/L5K3IxINr7A>

منبع شعر این آهنگ:

<https://www.facebook.com/share.php?u=https%3A%2F%2Fwww.internethaber.com%2Fsusamam-sozleri-saniserin-susamam-rap-sarkisinin-sozlerinin-tamami-2048101h.htm>